

چند سال پیش در جریان بازیهای پارالمپیک (المپیک معلولین) در شهر سیاتل آمریکا ۹ نفر از شرکت کنندگان دو صد متر پشت خط آغاز مسابقه قرار گرفتند.

همه این ۹ نفر افرادی بودند که ما آنها را عقب مانده ذهنی و جسمی می خوانیم.

آنها با شنیدن صدای تپانچه حرکت کردند. بدیهی است که آنها هرگز قادر به دویدن با سرعت نبودند و حتی نمی توانستند به سرعت قدم بردارند؛ بلکه هر یک به نوبه خود با تلاش فراوان می کوشید تا مسیر مسابقه را طی کرده و قهرمان برنده مدال پارالمپیک شود.

ناگهان در بین راه مچ پای یکی از شرکت کنندگان پیچ خورد. این دختر یکی دو تا غلت روی زمین خورد و به گریه افتاد.

هشت نفر دیگر صدای گریه او را شنیدند، آنها ایستادند، سپس همه به عقب بازگشتند و به طرف او رفتند. یکی از آنها که مبتلا به سندروم داون (عقب ماندگی شدید جسمی و روانی) بود، خم شد و دختر گریبان را بوسید و گفت: این درد رو تسکین میده.

سپس هر ۹ نفر بازو در بازوی هم انداختند و خود را قدم زنان به خط پایان رساندند. در واقع همه آنها اول شدند. تمام جمعیت ورزشگاه به پا خواستند و ۱۰ دقیقه برای آنها کف زدند.